



مبانی گفت‌وگوی دینی در قرآن

موافقان گفت‌وگو به وجود طرفینی متفاوت در فرآیند آن اشاره می‌کنند. طرفین گفت‌وگو حق دارند برداشت خود را از حقیقت داشته باشند.

موافقان گفت‌وگو به وجود طرفینی متفاوت در فرآیند آن اشاره می‌کنند. طرفین گفت‌وگو حق دارند برداشت خود را از حقیقت داشته باشند. مخالفان گفت‌وگو به سیطره حقیقت اشاره می‌کنند و معتقدند فرد می‌تواند و باید بر حقیقت گردن نهد، از این‌رو گفت‌وگو دیگر موردی نخواهد داشت.

قرآن کریم هر چند اسلام را دین حق معرفی کرده، نگاهی شمول‌گرایانه داشته و اسلام را شامل ادیان دیگر می‌داند. این نگاه باعث می‌شود تکثر پذیرفته شود و چنین تکثری می‌تواند راهی به سوی پذیرش دینی مبانی گفت‌وگویی اصیل باشد، گفت‌وگویی که نه به دنبال اسکات خصم و تسلیم دیگری، بلکه به دنبال شناخت و همدلی و همراهی بیشتر است.

قرآن کریم شناخت متقابل ادیان و فرهنگ‌ها را یکی از دلایل خلق متکثر انسان‌ها بیان کرده است. در آیه 13 سوره حجرات صراحتاً می‌خوانیم: «ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید، خداوند دانای آگاه است.» این آیه می‌تواند سرشت متقابل شناخت را نشان دهد، دیگر آن که غیراز جنس، نژاد، قومیت و در یک کلام خصوصیات عرضی است که من دارم، با من برابر است و همه ما را خداوند آفریده است. خداوند می‌توانست انسان‌ها را از یک دین و فرهنگ بیافریند، اما خلقت انسان‌ها نه تنها در جنس که در فرهنگ و دین و قوم نیز با کثرت همراه بوده است. از این روست که رویکرد قرآن به تکثر ادیان و فرهنگ‌ها حذف آنها نیست، بلکه شعوب و در واقع تکثر به رسمیت شناخته شده است، تکثری که به همراه برابری است. در این آیه هر نوع مایه تمایز و تفوق انسانی جز تقوای الهی نقض می‌شود و تنها مایه برتری آن هم در نزد خدا و نه در سلسله مراتب اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، تقوا بیان شده است.

علامه طباطبایی شعوب را در معنایی قومی و نژادی مطرح کرده اند، اما به نظر ایشان روح این آیه تأکید بر برابری انسان‌ها دارد و این که برتری که محصول ایمان است فقط معلوم علم خداوند دانای آگاه است. «مردم از این جهت که مردمند همه با هم برابرند و هیچ اختلاف و فضیلتی در بین آنان نیست و کسی بر دیگری برتری ندارد و اختلافی که در خلقت آنان دیده می‌شود که شعبه شعبه و قبیله قبیله هستند تنها به این منظور در بین آنان به وجود آمده که یکدیگر را بشناسند، تا اجتماعی که در بینشان منعقد شده نظام بپذیرد، و ائتلاف در بینشان تمام گردد...» (ترجمه المیزان، ج 18، ص 49)

پایان گفت‌وگو به معنای آن است که یک سوی گفت‌وگو پیروز میدان می‌شود یا یک سوی میدان یا کسی ورای حوزه گفت‌وگو داور نهایی را انجام می‌دهد، اما در میان جدال دینی، خداوند داور و به روز قیامت موعول می‌کند و این یعنی گفت‌وگوی دینی پایان‌ناپذیر است. «کسانی که ایمان آوردند و کسانی که یهودی شدند و صابئی‌ها و مسیحیان و زرتشتیان و کسانی که شرک ورزیدند، البته خدا روز قیامت میانشان داور خواهد کرد، زیرا خدا بر هر چیزی گواه است. (حج/17)

چنانچه در ابتدای بحث حاضر آمد، خداوند در پی یکسان‌سازی نیست. در آیه ای دیگر چنین می‌خوانیم: «برای هر امتی مناسبی قرار دادیم که آنها بدان عمل می‌کنند، پس نباید در این امر با تو به ستیزه برخیزند، به راه پروردگارت دعوت کن، زیرا تو بر راهی راست قرار داری.» (حج/67) با نسبت داده شدن مناسک ملت‌ها به خداوند، دیگر لزومی به حذف آنها نخواهد بود.

اما نسبت میان ادیان گفت‌وگویی همدلانه است، منشأ یکسان و تنها مشترک میان ادیان نیست که آنها محتوای یکسانی را نیز دارند. مشکلات امروز بشر نیز یکسان و گفت‌وگوی ادیان می‌تواند راهی به سوی حل این مشکلات باشد. خداوند می‌فرماید: «و با اهل کتاب، جز به [شیوه‌ای] که بهتر است، مجادله نکنید - مگر [با] کسانی از آنان که ستم کرده‌اند - و بگویید: به آنچه به سوی ما نازل شده و [آنچه] به سوی شما نازل گردیده، ایمان آوریدیم و خدای ما و خدای شما یکی است و ما تسلیم اویم.» (عنکبوت/46) خداوند به مسلمانان تأکید کرده است که در گفت‌وگو با ادیان از بهترین شیوه استفاده کنند و با آنها ابراز وحدت نمایند. این ابراز وحدت با توجه به آیات گذشته، نافی کثرت نیست، بلکه موید آن در طرحی جامع‌تر است. سنخ نگرش اسلام به ادیان با پذیرش تکثر آنهاست.

آیات مربوط به بحث از گفت‌وگوی دینی بسیار است، از جمله در آیه ای دیگر می‌خوانیم: «و اگر خدا می‌خواست قطعا شما را امتی واحد قرار می‌داد، ولی هر که را بخواهد بپرازد و هر که را بخواهد هدایت می‌کند و از آنچه انجام می‌دادید، حتماً سؤال

خواهید شد.» (نحل/93) خدا خود نخواستہ است همگان بر دینی واحد بزنند. نگاهی به این آیات نشان می دهد خداوند در قرآن حکیم کثرت را که مقدمه و شرط اساسی برای گفت وگوی ادیان است، پذیرفته و مورد تاکید قرار داده است. تاکید بر ماهیت یکسان دین مانع از آن نشده است که کثرت نفی شود. «بگو: به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل گردیده و آنچه به موسی و عیسی و انبیای [دیگر] از جانب پروردگارشان داده شده، گرویدیم [و] میان هیچ یک از آنان فرق نمی گذاریم و ما او را فرمانبرداریم.» (آل عمران/ 84) نیز خداوند به صراحت عنوان فرموده است که برای هر امتی مناسکی قرار داده شده، هر چند پیامبر اکرم(ص) بر راه راست معرفی شده اما خداوند تصریح کرده که انسان را در شعوب و ملل مختلف آفریده است تا از قیل این اختلاف به شناخت متقابل از یکدیگر برسند. خداوند در قرآن کریم تصریح کرده است که اختلاف میان امت ها محصول اراده الهی است و خداوند نمی خواسته همه را در راه راست قرار دهد، بلکه اختلاف انسان ها به گونه ای به سرشت مختار انسان ها نیز باز می گردد. اگر خداوند نخواستہ که انسان ها را از امت واحدی قرار دهد، از این رو نسبت رویکرد ضدبشری گروه های تروریستی نظیر القاعده نسبت به حذف دیگران با قرآن معلوم خواهد بود. اگر امروز برخی تنها راه رسیدن به بهشت را گرویدن به آیین خویش عنوان می کنند، پیشتر قرآن چنین منطقی را نفی کرده است: «گفتند: هرگز کسی به بهشت در نیاید، مگر آن که یهودی یا ترسا باشد. این آرزوهای [واهی] ایشان است. بگو: اگر راست می گوئید، دلیل خود را بیاورید.» (بقره/111)

میثم قهوه چیان / جام جم